

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توسّل (۶)

اهل سنت و توسل

عنوان و نام پدیدآور: توسل [کتاب] / هیات تحریریه موسسه در راه حق.

مشخصات نشر: قم: موسسه در راه حق، ۱۳۹۸ -

مشخصات ظاهری: ۴۰ ص.

شابک: دوره ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۵۰-۳؛ ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۲۷-۵؛ ج ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۲۴-۴؛ ج ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۳-۵؛ ج ۴: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۴-۲؛ ج ۵: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۷-۳؛ ج ۶: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۵-۹؛ ج ۷: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۶-۶؛ ج ۸: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۹-۷؛ ج ۹: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۸-۰

ج ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۳-۵؛ ج ۴: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۴-۲؛ ج ۵: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۷-۳؛ ج ۶: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۵-۹؛ ج ۷: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۶-۶؛ ج ۸: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۹-۷؛ ج ۹: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۸-۰

ج ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۳-۵؛ ج ۴: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۴-۲؛ ج ۵: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۷-۳؛ ج ۶: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۵-۹؛ ج ۷: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۶-۶؛ ج ۸: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۹-۷؛ ج ۹: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۸-۰

ج ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۳-۵؛ ج ۴: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۴-۲؛ ج ۵: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۷-۳؛ ج ۶: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۵-۹؛ ج ۷: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۶-۶؛ ج ۸: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۹-۷؛ ج ۹: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۸-۰

وضعیت فهرست نویسی: فبیای مختصر

مندرجات: ۱. توسل چیست؟ و چرا؟ - ج. ۲. توسل در قرآن - ج. ۳. پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام -

ج. ۴. توسل صحیح - ج. ۵. راهها و کیفیت توسل - ج. ۶. اهل سنت و توسل - ج. ۷. وهابیت و

توسل - ج. ۸. توسل، بررسی شبهات - ج. ۹. آثار توسل - ج. ۱۰. توسل در بیان و سیره علما

موضوع: توسل

شناسه افزوده: موسسه در راه حق، هیات تحریریه

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ت/۹/۶/۲۲۲۶ BP - رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۸ - شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۱۳۷۳

نام جزوه: اهل سنت و توسل (توسل شماره ۶)

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸ - شمارگان: ۲۰۰۰

شابک (توسل شماره ۶): ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۵-۴۵-۹

شابک دوره: ۳-۵۰-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸

چاپخانه: سلمان فارسی - مشخصات ظاهری: ۴۰ صفحه

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم) کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵) - www.darrahehaq.com

سامانه پیامکی پاسخ به سؤالات مذهبی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

این جزوه رایگان است. لطفاً پس از مطالعه در اختیار دیگران قرار دهید تا از آن

بهره مند شوند.

فهرست مطالب

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
اهل سنت و توسل.....	۳
نمونه‌هایی از روایات توسل.....	۹
۱. توسل به پیامبر اکرم ﷺ در حیات ایشان.....	۱۴
۲. توسل به پیامبر اکرم ﷺ بعد از وفات ایشان.....	۲۱
۳. توسل به غیر پیامبر ﷺ.....	۲۷

توسل (۶) / ب

سخن ناشر

با یاری خدای متعال و عنایت اولیای او توانستیم بار دیگر در خدمت فرهنگ نورانی اهل بیت نبوت (علیهم السلام) باشیم. امیدواریم این بار نیز با همکاری شما تجربه موفق گذشته را تکرار کنیم. جزوات مفید و مختصر را در اختیار علاقمندان قرار دهیم و در ارتقاء سطح عقیدتی جامعه ولایی تشیع قدمی کوچک برداریم.

در این روزگار پر سر و صدا آنچه خواهد ماند محتواهای متکی بر عقاید حقّه و مستند به منابع صحیحی است که بتوان در روز حساب از آن دفاع کرد و دیگر سر و صداها - به تعبیر اهل روزگار -

ج / اهل سنت و توسل

مجازی و خیالی است، هرچند در روز واپسین باید به صورت حقیقی پاسخگو باشند. امیدواریم همه با درک شرایط به استحکام بنیان‌های عقیدتی همت بگماریم.

موسسه در راه حق

اهل سنت و توسل

از آنجا که توسل یک آموزه‌ی دینی است و قرآن مجید و پیامبر ﷺ و عترت طاهره علیهم‌السلام، ما را در این‌باره راهنمایی کامل کرده‌اند، جایی برای سوءاستفاده و ایجاد شبهه باقی نمی‌ماند.

این امر در مذاهب اسلامی رواج کامل دارد. هم علما و هم عموم مردم آن را نه تنها شرک نمی‌دانند، بلکه در اظهار تذلل و خشوع بیشتر در پیشگاه خداوند با توسل، از یکدیگر پیشی می‌گیرند.

علما و نویسندگان عامه فراوان به پیامبر اکرم ﷺ و آلش علیهم‌السلام توسل جسته‌اند یا برخی از توسلات را گزارش کرده‌اند.

٤ / اهل سنت و توسل

توسل عملى فقها ومحدثان اهل سنت مثل
حافظ ابن جوزى^١، حافظ ابن حجر عسقلانى^٢،
حافظ ابن عساكر^٣، حافظ ابن كثير^٤، حافظ كلاباذى^٥،
احمد عبد اللطيف الزبيدى^٦، ابو الحسن مالكى^٧،
شوكانى^٨، طحاوى حنفى^٩، يافعى^{١٠}، تقى الدين

١. زاد المسير، ج ٤، ص ٢٥٣.

٢. فتح البارى، ج ٢، ص ٤٧.

٣. تاريخ مدينة دمشق، ج ٦، ص ٤٤٣.

٤. البداية و النهاية، ج ١٣، ص ١٩٢.

٥. التعرف بمذهب اهل التصوف، ج ١، ص ٢١.

٦. التجريد الصريح لأحاديث الجامع الصحيح، ص ٩.

٧. كفاية الطالب، ج ٢، ص ٦٧٨.

٨. البدر الطالع، ج ١، ص ٤٢٢.

٩. حاشية الطحاوى على مراقى الفلاح، ج ١، ص ٣٧٥.

توسل (٦) / ٥

سُبُكى شافعى^٢، نووى^٣، ابو محمد ابن قدامه^٤، شيخ
منصور بهوتى^٥ و عرفاى ايشان مثل
ابوحامد غزالى شافعى^٦، عبدالقادر جيلانى حنبلى^٧، و
متكلمان آنها مثل سعدالدين تفتازانى^٨، ملاعلى
قارى حنفى^٩ و مفسران ايشان مثل ثعالبى^١،

١. مرآة الجنان، ج ٤، ص ٣٦٢.

٢. شفاء السقام فى زيارة خير الانام.

٣. الايضاح، باب ٦، ص ٤٩٨.

٤. المغنى، ج ٣، ص ٥٥٦.

٥. كشف القناع، ج ٥، ص ٣٠.

٦. احياء علوم الدين، ج ١، ص ٢٦٠.

٧. نبهانى، شواهد الحق، ص ٩٨ به نقل از الغنية او.

٨. شرح المقاصد، ج ٢، ص ٣٣.

٩. مرقاة المفاتيح، ج ٣، ص ١٦٧٦.

٦ / اهل سنت و توسل

قرطبي^٢، آلوسی^٣، ابن کثیر دمشقی^٤ و لغت نگاران و ادیبان ایشان مثل فیومی^٥، ابن منظور^٦، ابوالفرج اصفهانی^٧، ابن حجه حموی^٨، قلقشندی^٩، مقرئ تلمسانی^{١٠} و مورخان آن ها مثل

-
١. تفسیر ثعالبی، ج ٤، ص ٤٥٨.
 ٢. تفسیر قرطبی، ج ٨، ص ٢٤٠.
 ٣. روح المعانی، ج ١، ص ٨٢.
 ٤. تفسیر ابن کثیر، ج ١، ص ٤٩٢.
 ٥. المصباح المنیر، ص ٧١٢.
 ٦. لسان العرب، ج ١١، ص ٧٨.
 ٧. الأغانی، ج ١٠، ص ٣٧٥.
 ٨. خزائن الادب، ج ١، ص ٢٧٠.
 ٩. صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ج ١١، ص ٣٠٢.
 ١٠. نفح الطیب، ج ١، ص ٣٢.

توسل (۶) / ۷

واقدی^۱، ابن خلکان^۲، و ابن اثیر^۳ و معجم نگاران ایشان مثل یاقوت حموی^۴ و حاجی خلیفه^۵ در تألیفاتشان، با عبارات گوناگون دیده می شود.

کسی که پیامبر ﷺ و اولیاء الله را وسیله ی تقرب به خدا قرار می دهد، از روی ادب بندگی خود را در محضر خدا کوچک و بی مقدار می داند و برای اینکه مورد توجه و عنایت خدای متعال قرار گیرد کسانی را که نزد خدا آبرو دارند و مورد توجه و لطف اویند، وسیله قرار می دهد تا خداوند به احترام

۱. فتوح الشام، ج ۲، ص ۹۱.

۲. وفيات الاعیان، ج ۶، ص ۱۳۲.

۳. الکامل، ج ۱، ص ۴۳۳.

۴. معجم البلدان، ج ۵، ص ۸۷.

۵. کشف الظنون، ج ۲، ص ۲۰۵۶.

۸ / اهل سنت و توسل

آنها او را نیز از رحمت واسعه‌ی خود برخوردار سازد.

اساساً توسّل یکی از موضوعات مورد اتفاق همه مذاهب است. دکتر محمد طاهر القادری، دانشمند اهل سنت پاکستانی در کتاب عقیده توسّل می‌نویسد: توسّل مسئله‌ای است که به نص صریح و احادیث متواتر ثابت شده است و اکثر مسلمانان از قدیم تا امروز به آن عمل نموده‌اند. متأسفانه امروزه این مسئله را مورد تنازع و موضوع مجادله قرار داده‌اند و در نتیجه، مخالفان و موافقان یکدیگر را به شرک و کفر متهم می‌کنند. اگر ما در احادیث نبوی اندیشه کنیم، این حقیقت آشکار خواهد شد که قرآن و حدیث توسّل را جایز دانسته‌اند. می‌توان صدها

توسل (۶) / ۹

روایت و فرمان نبوی را به عنوان شاهی برای لزوم توسل در تقرّب به خداوند متعال ارائه نمود.^۱

در این نوشتار به تبیین ابعادی از توسل در منابع کلامی، تفسیری و حدیثی اهل سنت می پردازیم.

نمونه‌هایی از روایات توسل

مشروعیت توسل به اولیای خدا و واسطه قرار دادن آنها برای تقرّب به خداوند و طلب حاجت از او در روایات متعددی آمده و سیره‌ی مسلمانان از عصر پیامبر ﷺ تاکنون بر آن جاری بوده است:

۱) حاکم با سند صحیح از عمر بن خطاب چنین نقل می‌کند: «قال رسول الله: لما اقترف آدم الخطيئة، قال:

۱. القادری، محمد طاهر، عقیده توسل، ص ۱۲۱.

یا ربّ اسألك بحق محمد لما غفرتَ لی، فقال الله :یا
 آدم و کیف عرفتَ محمدا ولم اخلقه ؟ قال: یا ربّ،
 لأنک لما خلقتنی بیدک و نفختَ فیَّ من روحک،
 رفعتُ رأسی فرأیت علی قوام العرش مكتوبا «لا اله الا
 الله محمد رسول الله» فعلمتُ أنّک لم تظف الی
 اسمک الا احبّ الخلق الیک، فقال الله تعالی: صدقتَ
 یا آدم انه لا حبّ الخلق الیّ، ادعنی بحقه فقد غفرتُ
 لک؛ ولو لا محمد ما خلقتک...؛

ترجمه: هنگامی که حضرت آدم دچار لغزش گردید
 در پیشگاه خداوند عرض کرد: خدایا ! به حق محمد
 مرا ببخش؛ خداوند فرمود: ای آدم! چگونه محمد را
 (که هنوز به دنیا خلق نکرده‌ام) شناختی؟ عرض
 نمود: بار خدایا! هنگامی که مرا خلق کردی و از

توسل (۶) / ۱۱

روح‌ت به من دمیدی، سرم را بلند نمودم در عرش
نوشته «لااله الاالله محمد رسول الله» را دیدم و دانستم
که اسم محبوب‌ترین مخلوق را کنار اسمت قرار
داده‌ای، خداوند فرمود: راست گفتی؛ او محبوب‌ترین
مخلوقم است؛ مرا به حق او بخوان تو را می‌بخشم؛
اگر او نبود شما را نمی‌آفریدم...»^۱

سبکی بعد از ذکر این حدیث می‌نویسد: «این
حدیث با این سند قوی و تصحیح حاکم به ابن تیمیه
نرسیده و الا هرگز [جواز توسل را] تکذیب نمی‌کرد و
یا دست‌کم جواب حاکم را می‌داد.»^۲

^۱. نیشابوری، ج ۲، ص ۶۱۵.

^۲. ر.ک: سبکی، شفاء السقام، المعجم العقایدی

این روایت را با کمی اختلاف، طبرانی در «المعجم الصغیر»، بیهقی در «الدلائل النبویه»، سیوطی در «الدر المثثور» و آلوسی در «روح المعانی» نقل نموده‌اند؛ بنابراین توسل جستن حضرت آدم به پیامبر خاتم معروف و مشهور بوده است. به علاوه، نمونه‌هایی از توسل حضرت نوح، ابراهیم و عیسی به پیامبر اعظم نیز در کتاب‌های اهل سنت آمده است.

۲) در روایتی دیگر؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خدای متعال را به حق خودشان و پیامبران پیشین قسم دادند. زمانی که فاطمه بنت اسد، مادر امیرمؤمنان علی علیه السلام و همسر حضرت ابی طالب، که بعد از عبدالمطلب بسیار در حق ایشان زحمت کشیده بود و به تعبیری مادری کرده بود، از دنیا رفت، پیامبر

توسل (۶) / ۱۳

خدا ﷺ در هنگام دفن او چنین دعا فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ اغْفِرْ لَأُمِّي فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ وَلَقِّنْهَا حُجَّتَهَا وَأَوْسِعْ عَلَيْهَا مُدْخَلَهَا بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَالْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِي فَإِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛^۱ «سپاس خداوندی را که زنده می‌کند و می‌میراند و زنده است و نمی‌میرد. (خدایا)! مادرم فاطمه بنت اسد را بیامرز و جایگاه او را وسیع گردان. به حق پیامبرت و به حق پیامبران پیش از من».

۱. حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، أبو نعیم الأصبهانی، جلد ۳،

۱. توسل در حیات پیامبر ﷺ

طبرانی از عثمان بن حنیف نقل می‌کند: ما با رسول خدا ﷺ بودیم که فرد نابینایی نزد آن حضرت آمد و از نابینا شدن خود شکوه کرد. رسول خدا ﷺ به او گفت: صبر نمی‌کنی؟ آن فرد نیز عرض کرد: «ای رسول خدا! من کسی را ندارم که مرا راه ببرد. نابینایی برایم سخت است». حضرت به او گفت: «برو وضو بگیر و دو رکعت نماز بگزار و سپس این دعا را بخوان»: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي لَتَقْضَى لِي اللَّهُمَّ شَفْعَهُ فِيَّ»؛ بارالها! من به سوی تو به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت رو می‌کنم. ای محمد! همانا من به وسیله تو رو به پروردگارم می‌کنم تا حاجتم

توسل (۶) / ۱۵

برآورده شود. خدایا وساطت و شفاعت او را درباره
من بپذیر.

به خداوند سوگند که او از میان ما رفت تا به
دستور پیامبر ﷺ عمل کند و صحبت ما طولانی
شد. دیدیم که آن مرد با چشمان سالم وارد شد، گویا
که هرگز مشکلی در دیدگان او نبوده است.^۱

۱. المعجم الكبير، ج ۷، ص ۱۹؛ ابتدای روایت نیز خواندنی و
برای مشروعیت توسل بعد از وفات شاهد است: مردی در زمان
خلافت عثمان برای کاری نزد عثمان رفت، اما وی به فرد
نیازمند توجهی نکرد. او عثمان بن حنیف را دید و گله کرد.
عثمان بن حنیف گفت: وضو بگیر و به مسجد بیا. پس از آنکه دو
رکعت نماز خواندی، این دعا را بخوان؛ (و همان دعا را به او یاد
داد) او نیز چنین کرد و بار دیگر نزد عثمان بن عفان رفت.

ابن ماجه و حاکم این روایت را صحیح دانسته‌اند.

مضمون حدیث بسیار روشن است و جای هیچ گونه توجیه و تأویل نیست. پیامبر اکرم ﷺ

خادم عثمان او را به داخل برد و در کنار او بر روی حصیر نشاند. عثمان او را احترام کرد و حاجتش را برآورده ساخت و به او گفت: «من خواسته تو را تا این لحظه فراموش کرده بودم. اگر باز هم نیازی داشتی، پیش ما بیا». این مرد چون گمان کرد عثمان بن حنیف به خلیفه سفارش کرده است، با او دوباره روبه‌رو شد، به او گفت: «خداوند به تو پاداش نیکو دهد! وی به نیاز من توجهی نمی‌کرد تا این‌که تو با او سخن گفتی». عثمان بن حنیف به او گفت: «به خدا سوگند که من به او چیزی نگفتم (و حاجت‌روایی تو در اثر توسل بود).

مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۳۸؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۲۹؛ البدایة، ج ۶، ص ۱۷۹.

توسل (۶) / ۱۷

خود، دعا نفرموده، بلکه به او آموخته است که برای رسیدن به حاجتش چه کند، چگونه دعا کند و از خداوند مَنان حاجت بخواهد و توسل را که از آداب دعاست رعایت کند و چگونه به پیامبر اکرم ﷺ توسّل جوید. آن فرد نیز رسول اکرم ﷺ را وسیله‌ی تقرّب خود به خدا قرار داده است. همه‌ی دانشمندان درباره‌ی سند حدیث مذکور متفق القول اند که روایتی صحیح است، حتی ابن تیمیه، رشیدرضا، نویسنده تفسیر المنار، مراغی، نویسنده تفسیر مراغی و رفاعی، صاحب «کتاب التوصل الی حقیقه التوسّل» که از مداحان ابن تیمیه‌اند، این روایت را صحیح دانسته‌اند؛ اما چون سند حدیث خدشه‌ناپذیر بوده است، دست به توجیه زده‌اند که روایت صحیح است،

۱۸ / اهل سنت و توسل

ولی نایینا به دعای رسول ﷺ بینا شده است؛
از این رو دلیل بر جواز توسل به رسول خدا ﷺ و
اولیای الهی نیست؛ زیرا مرد نایینا از رسول خدا ﷺ
دعا خواسته بود و رسول اکرم ﷺ به او دعا
آموخت و نه توسل به خود را.

آیت الله سبحانی در پاسخ به این شبهه می گوید:
اگر این حدیث را به دست فردی آشنا به زبان عربی
بدهید که ذهنش از مناقشات وهابی ها در مسئله
توسل به کلی خالی باشد و از او پرسید پیامبر
اکرم ﷺ دعایی که به نایینا تعلیم فرمود، چه بود و
او را در استجابت دعای خود چگونه ارشاد کرد، به
شما پاسخ خواهد داد: پیامبر اکرم ﷺ به او تعلیم
داد که پیامبر رحمت ﷺ را وسیله ی خود قرار دهد

توسل (۶) / ۱۹

و به او توسل بجوید و از خدا بخواهد که خداوند حاجت او را برآورده سازد. این مطلب از جمله‌های زیر به‌خوبی استفاده می‌شود.

الف) «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ»؛

«بارالها! از تو مسئلت می‌کنم و روی می‌آورم به تو به‌وسیله‌ی پیامبرت». در اینجا مراد خود نبی است، نه دعای نبی و تصور این‌که مقصود دعای نبی است، برخلاف ظاهر و فاقد برهان است.

ب) «مُحَمَّدُ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ» برای این‌که روشن شود

مقصود مسألت از خدا به خاطر پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و توجه به خدا به‌وسیله‌ی اوست، لفظ نبی را با جمله «مُحَمَّدُ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ» توصیف کرده است تا حقیقت را روشن‌تر سازد.

ج) «يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّي» این جمله به صراحت می‌رساند که آن مرد حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را وجهی خواسته خود به سوی خدای مَنان قرار می‌دهد، و درستی این روش مرسوم در میان مردم مسلمان به ویژه شیعیان قابل ردّ نیست.

د) مفاد جمله «وَشَفِّعُهُ فِيَّ» این است: پروردگارا! او را شفیع من قرار بده و شفاعت او را در مورد من بپذیر. در این جمله آنچه مورد سخن است، شفاعت و وساطت همان ذات گرامی و شخصیت والامقام آن حضرت است.^۱

توسل بعد از وفات پیامبر ﷺ

آن گونه که برخی از اهل سنت ادّعا می کنند، جواز توسل منحصر در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ نیست. هم عقایدنگاران آن را تأیید کرده اند هم محدثان آن را نقل کرده اند توسل به ایشان بعد از وفات را نیز تأیید کرده اند.

صاحب عقیده توسل این گونه اظهار می دارد: «همان گونه که توسل به پیامبر اکرم ﷺ در حیات ظاهری آن حضرت جایز است، بعد از رحلت آن حضرت نیز توسل به او صحیح است و هیچ دلیل شرعی و عقلی نداریم که بعد از وفات آن حضرت، توسل به او ممنوع باشد. عقیده‌ی ما این است وقتی پیامبر اکرم ﷺ یا یکی از اولیای خدا را وسیله قرار

می‌دهیم، هرگز آنها را شریک و مساوی خدا نمی‌دانیم. آنان فقط «مُتَوَسِّلٌ بِهِ» اند و خداوند «مُتَوَسِّلٌ إِلَيْهِ» است. او «وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» است و هیچ نبی یا ولیّی، زنده یا مرده، شریک او نخواهد شد. ما برای قبولی دعا، آنها را وسیله قرار می‌دهیم، اما قبول دعا فقط به دست خداست».^۱

اثر حضور معنوی پیامبر ﷺ و صالحان در حیات و ممات ایشان و ارزش توسل به آنان یکسان است.

عبدالله بن مسعود از رسول اکرم ﷺ روایت می‌کند:

توسل (۶) / ۲۳

«حَيَاتِي خَيْرٌ لَّكُمْ تُحَدِّثُونَ وَأَحَدْتُ لَكُمْ وَوَفَاتِي
خَيْرٌ لَّكُمْ تُعَرِّضُ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ مَا رَأَيْتُ مِنْ خَيْرٍ
حَدَّثْتُ اللَّهَ مَا رَأَيْتُ مِنْ شَرٍّ اسْتَغْفَرْتُ لَكُمْ»^۱

«زنده بودن من برای شما خوب است؛ زیرا با من
سخن می‌گویید و با شما سخن می‌گویم و وفات من
هم برای شما خوب است؛ زیرا اعمال شما بر من
عرضه خواهد شد. هرگاه خوبی ببینم، خدا را شکر
می‌کنم و هرگاه بدی ببینم، برای شما استغفار
می‌کنم».

۱. محمد طاهر القادری، عقیده‌ی توسّل، ص ۲۲۹ به نقل از
هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ج ۹، ص
۲۴۰.

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، در مدینه قحطی شدیدی رخ داد و مردم از این قحطی به ستوه آمدند و این مسئله را به عایشه گفتند.

او گفت: کنار قبر رسول خدا ﷺ بروید، روزنه و شکافهایی را در سقف حجره ایجاد کنید به طوری که دیگر بین قبر شریف و آسمان سقفی نباشد. آنان چنین کردند پس آنقدر باران بارید که گیاه رویید و شتران فربه شدند تا آنجا که از شدت چاقی ترکهای بر بدن آنان نمودار شد به همین مناسبت آن سال را عام الفتق (سال گشایش) نامیدند.^۱

۱. نور الدین سمهودی، وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۷۴؛ دارمی، ج ۱، ص ۴۳، رقم ۹۳؛ سُبکی، تقی الدین، شفاء الاسقام، ۱۲۸، القادری دکتر محمد طاهر، عقیده‌ی توسل، ص ۲۳۱.

توسل (۶) / ۲۵

سند این روایت نیز صحیح و خالی از اشکال است.
نمونه‌ای دیگر؛ در دوران عمر بن خطاب
خشکسالی پدیدار گشت. بلال بن حارث نزد قبر نبی
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: ای پیامبر! برای امت خود
طلب باران کن که هلاک شدند.

این روایت گفتگوی مستقیم و توسل به پیامبر
خدا صلی الله علیه و آله و سلم بعد از وفات آن حضرت در سیره صحابه
را به وضوح نشان می‌دهد.

دکتر محمد طاهر القادری اظهار می‌دارد: ابن تیمیه
در کتاب اقتضاء الصراط، این روایت را تأیید نموده

است و ابن کثیر در البدایة و النهایة نیز روایت مذکور را صحیح دانسته است.^۱

نمونه دیگر؛ در کتب سیره آمده است که در دوران بنی عباس، منصور، خلیفه‌ی عباسی، از مالک بن انس درباره‌ی کیفیت زیارت قبر رسول اکرم ﷺ پرسید: زائر هنگام زیارت رو به قبله باشد یا رو به قبر پیامبر ﷺ؟ مالک در پاسخ گفت: چرا چهره از او برگردانی؟ او وسیله‌ی تو و وسیله‌ی پدر تو آدم در روز رستاخیز به سوی خدا است.

رو به او کن و او را شفیع خود قرار بده. خدا شفاعت او را می‌پذیرد.

۱. محمد طاهر القادری، عقیده توسل، ص ۲۴۳، به نقل از الاقتضاء، ص ۳۷۳؛ البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۱۶۷.

توسل (۶) / ۲۷

این روایت هم صراحت در درستی روش مسلمانان دارد که رو به ضریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام و پشت به قبله می کنند و به آنها متوسل می شوند و این کار هیچ منعی ندارد.

توسل به غیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

در منابع اهل سنت، توسل به دیگر اولیای الهی در سیره ی اصحاب و تابعین جایگاه ویژه ای دارا است. اصحاب در صدر اسلام و تابعین همواره در مقام دعا و نیایش به انبیای عظام، اولیاء و صلحای ارجمند و انسان های الهی متوسل شده اند و مقربان پیشگاه الهی را وسیله قرار داده اند تا خداوند به احترام آنها دعایشان را مستجاب کند و خواسته هایشان را برآورده سازد. اکنون چند نمونه را می آوریم:

(۱) از ابوسعید خدری نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هرکس که از خانه خارج شود و این دعا را بخواند، خداوند به او توجه می‌کند و هفتاد هزار فرشته برای او طلب آمرزش می‌کنند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَمْشَايَ هَذَا. فَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْ إِشْرَاءً وَلَا بَطَرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً. وَخَرَجْتُ اتِّقَاءَ سَخَطِكَ وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي. إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»

«خدایا! به حق سائلان درگاهت و به حق این راه‌رفتن من که از جهت نافرمانی و خوش‌گذرانی و ریا و سُمعه نیست، بلکه برای پرهیز از خشم تو و

توسل (۶) / ۲۹

جستجوی خشنودی توست، از تو می‌خواهم که مرا
از آتش جهنم پناه دهی و گناهان مرا ببخشی که کسی
جز تو گناهان مرا نمی‌بخشد».

در این حدیث پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مردم یاد
می‌دهد که به هنگام درخواست حاجت از خداوند،
به سائلان درگاه ربوبی که همان صالحان و اولیای
الهی‌اند توسّل بجویند و آنها را واسطه قرار دهند.^۱

۲) در روایت حضور پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در هنگام
دفن فاطمه بنت اسد که قبلاً گذشت آمده بود
که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، انبیای از دنیا رفته را برای
مؤمنه‌ای که از دنیا رفته وسیله قرار داده است.
از این سیره‌ی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استنباط

۱. جعفر سبحانی، آیین وهابیت، ص ۱۵۸.

می‌گردد که انبیا در عالم برزخ می‌توانند مورد
توسل قرار گیرند.

توسل به غیر از انبیاء علیهم‌السلام هم حیات ظاهری و
هم در دوران حیات برزخی آنان در سیره‌ی صحابه و
تابعین، نه تنها جایز، بلکه رایج بوده است.

انس می‌گوید: عمر بن خطاب در خشک‌سالی
با توسل به عباس بن عبدالمطلب از خدا طلب باران
می‌کرد و می‌گفت: خدایا، ما همواره به‌وسیله‌ی
پیامبرت به تو متوسل می‌شدیم و ما را سیراب
می‌کردی. اینک به‌وسیله‌ی عموی پیامبران به تو

توسل (۶) / ۳۱

متوسّل می شویم؛ پس ما را سیراب کن. می گوید: پس
آنان سیراب می شدند.^۱

قسطلانی می گوید: این عمل، اندیشه کسانی را
باطل می کند که مطلق توسّل و یا توسّل به غیر
پیامبر ﷺ را تحریم کرده اند.^۲

همچنین محمد بن ادريس شافعی به قبر
ابوحنیفه و احمد بن حنبل به قبر شافعی متوسل می
شد.^۳ و نیز مسلمانان به قبر ابو ایوب انصاری متوسل
می شدند و برای طلب باران به قبر او پناه می بردند.^۴

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح، ج ۲، ص ۷۵؛

سمهودی، نورالدین، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۷۵.

۲. جعفر سبحانی، آیین وهابیت، ص ۱۶۵

۳. مناقب ابی حنیفه، ج ۲، ص ۱۹۹.

۴. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۵۱۸.

توسّل به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

ابن حَبَّان بُسْتی^۱ (۳۵۴ ق): «علی بن موسی الرضا علیه السلام از بزرگان و عقلا و نخبگان و بزرگواران اهل بیت و بنی هاشم است. اگر از وی روایتی شود، واجب است حدیثش معتبر شناخته شود... من به دفعات قبر ایشان را زیارت کرده ام. زمانی که در طوس بودم، هر مشکلی برایم رخ می داد، قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام را - که درود خدا بر جدش و خودش باد

۱. ابن حبان بستی در نزد اهل سنت جایگاه والایی دارد به گونه ای که از وی به امام، علامه، حافظ، شیخ خراسان، یکی از استوانه های علم در فقه و لغت و حدیث تعبیر کرده اند. (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۹۲؛ النجوم الزاهرة، ابن تغری، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۳۴۲).

— زیارت می کردم و برای برطرف شدن مشکلم دعا می کردم و دعایم مستجاب و مشکلم حل می شد. این کار را به دفعات تجربه کردم و جواب گرفتم. خداوند ما را بر محبت مصطفی و اهل بیتش — که درود خدا بر او اهل بیتش باد — بمیراند.^۱

ژهری می گوید: به آن خدای که جانها به دست اوست، پس از آن هرگز بیمار و تنگدست نشدم و با هیچ سختی روبه رو نشدم و از آن هنگام تاکنون در راحت هستم. امید می دارم خدا مرا بیامرزد و بر من

۱. الثقات، ابن حبان بعثس، دارالفکر، بیروت، لبنان، چاپ اول،

رحمت کند به وسیله‌ی دعای زین العابدین،
علی بن الحسین علیه السلام.^۱

توسّل اهل سنت به قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
حسن بن ابراهیم ابوعلی خلال که شیخ حنبله در
دوران خود بود، می‌گفت: هیچ امر مهمّی برایم اتفاق
نیفتاد مگر این‌که به زیارت قبر موسی بن
جعفر علیه السلام رفتم و به او متوسّل شدم و خداوند آنچه را
می‌خواستم، برایم آسان کرد.^۲

۱. ابوالمحاسن حسین بن علی جرجانی، تفسیر گازر، ج ۲،
ص ۳۶۲.

۲. احمد بن علی خطیب بغداد، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰.

شافعی و توسل

ابن حجر هیتمی در کتاب «الصواعق المحرقة» از شافعی نقل می‌کند: «خاندان پیامبر ﷺ وسیله‌ی من به سوی خدا هستند»^۱.

این گزارش‌ها نشان می‌دهد یکی از مصادیق «وسیله»، توسل به ذوات محترم و صاحب منزلت است و سیره گذشتگان بر این امر جاری بوده‌است.

نتیجه سخن اینکه نزد مسلمانان با همه‌ی مذاهب و روش‌ها، توسل مشروع و رایج است و روایات فراوانی در کتب معتبر نزد اهل سنت در این باره رسیده که به اندکی از آن اشاره شد و روشن شد که پیامبران و اولیای خدا و اهل بیت علیهم السلام برجسته‌ترین

۱. ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۷۸.

۳۶ / اهل سنت و توسل

وسیله‌ی تقرّب به خداوندند. از این رو با در نظر گرفتن این همه شواهد، می‌توان گفت هدف خیرخواهانه‌ای در نفی توسّل یافت نمی‌شود و بیان این مطالب برای اتمام حجّت کافی است.